

صلح نوشت



# صلحی که از گردنه اقتصاد می گذرد

عالم ما، مسأله سلاح اتمی اسرائیل است، نه برنامه غیرتسلحاتی ایران. اسرائیل از این هراس دارد که کسی برای مقابله با او، دست به اقدام متقابل بزند. این نگرانی باعث شده که این همه محدودیت برای ما اعمال شود. در وهله اول، خود اسرائیل باید خلع سلاح شود. نکته‌ای که باید اضافه کنیم، این است که در این وضعی که اقتصاد حاضر عالم دارد، به خاطر مشکلاتی است که سیاست سوء اقتصادی در عالم به جای گذاشته و مسأله بحران هایی که وجود دارد، ادامه حیات دنیوی بشر بر کره خاکی خود یک مسأله است. حتی موسسات بزرگ اقتصادی حاضر نیستند این سوء مدیریت ها را اندکی تعدیل کنند. شمالا ان شاهد هستیم که آلودگی محیط زیست، مسأله‌ای است که همه عالم را تهدید می کند.

مسأله لایه اوزون، مسأله تأثیرات آتمی که آلودگی محیط زیست بر چرخه آب و هوایی عالم گذاشته و مشکلاتی که ایجاد کرده، یک مسأله جهانی است و عمدتاً گازهای گلخانه‌ای و آلودگی‌ها توسط جوامع صنعتی در حال تولید است. نظام سرمایه داری حاضر نیست اندکی از آلوده کردن محیط زیست خودداری کند؛ چرا که می گوید با بحران اقتصادی مواجه است، اما اگر این وضع ادامه پیدا کند، همه عالم با بحران مواجه می شود، حتی با بحران حیات دنیوی. برای آنها مهم نیست؛ چرا که می گویند اگر منافع نباشد، تو بگو اصل این عالم میاد. منافع آنها حتی از حیات دنیوی شان هم مهم تر است. ببینید بشر به کجا رسیده است.

از طرف دیگر، مسأله فروش تسلیحات است. فروش سلاح در درون جامعه آمریکا چه مسأله‌ی به وجود آورده؟ با وجود تیراندازی‌های متعددی که در مراکز دانشگاهی و دبیرستانی اتفاق افتاده و با وجود آنکه این مسأله برای ملت امریکا مشکلات جانی را در پی دارد، حاضر نیستند قدری محدودیت قابل شوند. این دیگر مسأله ایران و شیعیان و جهان اسلام نیست. این یک مسأله اجتماعی است.

حاضر نیستند حتی در فروش سلاح به داخل کشور شان محدودیت ایجاد کنند، چه رسد به خارج کشور که شاهدیم همراه با کمپانی‌های بزرگ فروش سلاح و همکاران با صهیونیست‌های تندرو همواره بر طبل جنگ می کوبند تا بتوانند تسلیحات خود را عرضه کنند. ببینید بشر در چه روزگاری و با چه سیاست‌های سوسنی، حتی حیات دنیوی خود را در معرض خطر می بیند، حیات معنوی که جای خود دارد. اقتصادی که بر مبنای خودبینی، خودرایی، خودپرستی و موضوعیت نفسانی (به تعبیر استاد ما

عالم ما، مسأله سلاح اتمی اسرائیل است، نه برنامه غیرتسلحاتی ایران. اسرائیل از این هراس دارد که کسی برای مقابله با او، دست به اقدام متقابل بزند. این نگرانی باعث شده که این همه محدودیت برای ما اعمال شود. در وهله اول، خود اسرائیل باید خلع سلاح شود. نکته‌ای که باید اضافه کنیم، این است که در این وضعی که اقتصاد حاضر عالم دارد، به خاطر مشکلاتی است که سیاست سوء اقتصادی در عالم به جای گذاشته و مسأله بحران هایی که وجود دارد، ادامه حیات دنیوی بشر بر کره خاکی خود یک مسأله است. حتی موسسات بزرگ اقتصادی حاضر نیستند این سوء مدیریت ها را اندکی تعدیل کنند. شمالا ان شاهد هستیم که آلودگی محیط زیست، مسأله‌ای است که همه عالم را تهدید می کند.

مسأله لایه اوزون، مسأله تأثیرات آتمی که آلودگی محیط زیست بر چرخه آب و هوایی عالم گذاشته و مشکلاتی که ایجاد کرده، یک مسأله جهانی است و عمدتاً گازهای گلخانه‌ای و آلودگی‌ها توسط جوامع صنعتی در حال تولید است. نظام سرمایه داری حاضر نیست اندکی از آلوده کردن محیط زیست خودداری کند؛ چرا که می گوید با بحران اقتصادی مواجه است، اما اگر این وضع ادامه پیدا کند، همه عالم با بحران مواجه می شود، حتی با بحران حیات دنیوی. برای آنها مهم نیست؛ چرا که می گویند اگر منافع نباشد، تو بگو اصل این عالم میاد. منافع آنها حتی از حیات دنیوی شان هم مهم تر است. ببینید بشر به کجا رسیده است.

از طرف دیگر، مسأله فروش تسلیحات است. فروش سلاح در درون جامعه آمریکا چه مسأله‌ی به وجود آورده؟ با وجود تیراندازی‌های متعددی که در مراکز دانشگاهی و دبیرستانی اتفاق افتاده و با وجود آنکه این مسأله برای ملت امریکا مشکلات جانی را در پی دارد، حاضر نیستند قدری محدودیت قابل شوند. این دیگر مسأله ایران و شیعیان و جهان اسلام نیست. این یک مسأله اجتماعی است.

حاضر نیستند حتی در فروش سلاح به داخل کشور شان محدودیت ایجاد کنند، چه رسد به خارج کشور که شاهدیم همراه با کمپانی‌های بزرگ فروش سلاح و همکاران با صهیونیست‌های تندرو همواره بر طبل جنگ می کوبند تا بتوانند تسلیحات خود را عرضه کنند. ببینید بشر در چه روزگاری و با چه سیاست‌های سوسنی، حتی حیات دنیوی خود را در معرض خطر می بیند، حیات معنوی که جای خود دارد. اقتصادی که بر مبنای خودبینی، خودرایی، خودپرستی و موضوعیت نفسانی (به تعبیر استاد ما

**بهروز فرنو**  
عضو هیات مدیره بنیاد فردید

امروز خواسته یا ناخواسته صلح و اقتصاد مفاهیم گره خورده‌ای به آن دیگری به حساب می آیند. مناسبات اقتصادی راه خود را باز می کنند، چه بهتر که ما بتوانیم این مناسبات را با کل کشورهای منطقه و جهان داشته باشیم و تحریم‌هایی که با فشار رژیم صهیونیستی به ما وارد می شود را دور بزنیم. برخی قدرت‌های غربی از اعمال این تحریم‌ها علیه ما خسته‌اند؛ چرا که در اوضاع بحران اقتصادی، تحمل تحریم‌های نفتی برای آنها هم دشوار است.

منتهی این بستگی دارد به اینکه ما چگونه بتوانیم در این بارگیری اقتصادی و سیاسی موثر ظاهر شویم که تحریم‌ها ضد تحریم بدل کنیم. این نگرانی که جوامع غربی از مسأله برنامه اتمی ما را می کنند، در حقیقت نگرانی اسرائیل است.

اسرائیل به علت آنکه خود دارای بمب اتمی است و استفاده غیر صلح آمیز می کند، همواره ذهنش متوجه این سمت است که دیگری هم چه بسا قصد رقابت با او را در منطقه داشته باشد. در حقیقت، مشکل اصلی

جامعه توانمند

## مشارکت، تعلق اجتماعی، هم‌افزایی و خلاقیت

**ادامه از صفحه ۹** فرآیندهای توانمندسازی ابتدا شامل دولت‌ها و سازمان‌های متولی توانمندسازی می‌شود و این سازمان‌ها و متولیان خود باید به توانمندی رسیده باشند. نمونه‌های دولتی و ناموفق بسیاری در کشورمان وجود دارند که تحت عنوان توانمندی و صرف بودجه‌های کلان به هیچ موفقیت چشمگیری دست نیافته‌اند. در واقع، دولت‌ها و سازمان‌های متولی توانمندسازی اگر خود، از ظرفیت کافی برای مدیریت فرآیندهای توانمندساز برخوردار نباشند، تنها می‌توانند به معنی برای این فرآیندها تبدیل شوند.

افزون بر این، بدون وجود برنامه‌های گسترده و تشویقی و اطمینان از سلامت موسسات توانمندساز نمی‌توان امیدوار بود که مردم و قشرهای مختلف با استعدادها متفاوت در مسیر توانمندی قرار گیرند. بنابراین، با وجود ظرفیت‌های راستین توانمندسازی در جامعه، فضایی برای افراد فراهم می‌شود تا بتوانند ایده‌پردازی کنند و آنها را با مساعدت نیروهای دولتی و امکانات عمومی به عمل تبدیل کنند.

سازمان‌های توانمند عناصر اصلی توسعه کشورها به شمار می‌آیند. نیروی انسانی کارآمد در تحقق اهداف سازمان، امری بدیهی و غیر قابل انکار است و شکی نیست که ثروت ملی یک کشور و به عبارت بهتر سرمایه انسانی در قالب مهارت‌ها،

ظاهر می‌شود. مدیران باید به منظور بهره‌گیری هر چه بیشتر از نیروی انسانی شاغل عوامل انگیزشی موثر در تحریک آنان را به درستی شناسایی کرده و تلاش کنند که هر چه بیشتر این توان را در مسیر اهداف سازمان قرار دهند. یکی از دغدغه‌های مدیران توانمندسازی کارکنان به تبدیل شده است. بنابراین مدیران باید به عنوان یکی از اصول اساسی نظام مدیریتی خود به توانمندسازی کارکنان خود بپردازند. امروزه شرایط کاری دشوار و

۲- احساس خودسامانی (Self-Determination)؛ انجام داوطلبانه کار و وظایف باعث احساس خودسامانی می‌شود. این احساس به فرد اجازه می‌دهد که کار خود را براساس اراده و میل باطنی و شوق بسیار انجام دهد و از احساس مالکیت در حوزه کاری خود و غرور ناشی از باور به توانایی‌های درونی برخوردار شود. احساس خودسامانی هنگامی به فرد دست می‌دهد که از حق انتخاب برخوردار باشد.

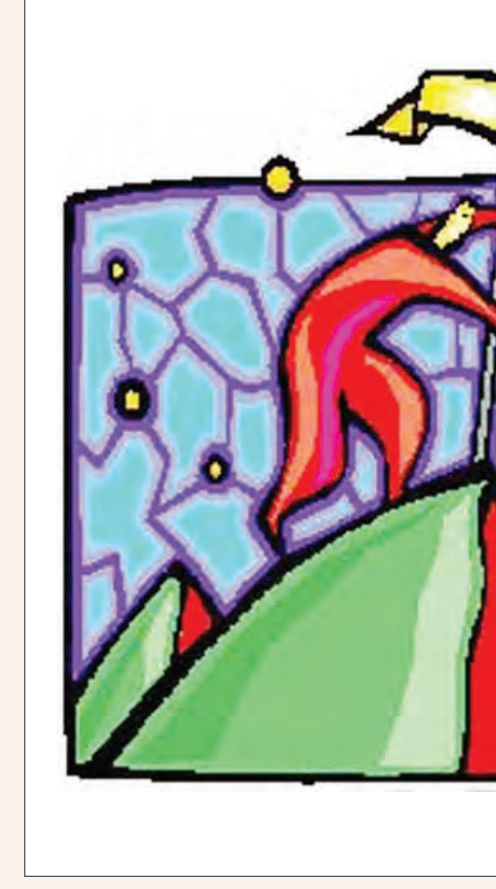
۳- پذیرش شخصی نتایج (Personal Consequence)؛ احساس کنترل شخصی بر نتایج را باید در زمره ابعاد مهم توانمند شدن دانست. این امر به احساس خودکنترلی مربوط است. همان‌طور که گفته شد، مدیران امروزی به جای کنترل فرد از بیرون آنها را وادار به پذیرش خودکنترلی می‌کنند. خودکنترلی، خودسودمندی و خودسامانی در پذیرش شخصی نتایج و رشد انگیزه تأثیر دارند.

۴- معنی‌دار بودن (Meaning)؛ این احساس ریشه در ساختار وجودی انسان دارد. احساس معنی‌دار بودن یک نگرش ارزشی و به تبع آن هنجاری به کار و فعالیت اجتماعی است که با آرمان‌ها، نیازهای اجتماعی و ارزش‌های انسانی و اجتماعی سروکار دارد. این احساس تعهد فرد را به کار افزایش می‌دهد.

۵- اعتماد (Trust)؛ فرد توانمند از اعتماد به خود و دیگران برخوردار می‌شود. او احساس می‌کند که بنا او منصفانه رفتار شده است. اعتماد به فرد، احساس امنیت شخصی می‌دهد. در واقع، اعتماد پایه و اساس روابط انسانی است. اعتماد موجب صمیمیت و افزایش تلاش‌ها باعث می‌شود که فرد توانمند از کوشش خود و دیگران به سود مضاعف برسد.

بعنوان نتیجه‌گیری می‌توان گفت توانمندسازی فرآیندهایی مدیریتی است که ریشه‌هایش را باید در جنبش‌های روابط انسانی دهه ۳۰ میلادی به بعد در کشورهای صنعتی جست‌وجو کرد. این فرآیندها، به فضاهای مردمسالار و با نگاه مدرن به کار و تولید اجتماعی مربوط است و با اصطلاحات مشارکت، تعلق اجتماعی، هم‌افزایی و خلاقیت عین است. در ایران، فرآیندهای توانمندسازی بیشتر صوری و فاقد مبانی تئوریک است. در واقع، توانمندسازی رویکردی نوین به کار، تولید و زاینده اقتصاد بازار و به حد اکثر رسانی بهره‌وری و کارایی است. توانمندسازی، تنها در اقتصادهای رقابتی میسر است و توانمندسازی در اقتصادهای دولتی و غیرتولیدی بیشتر شعاری و مقطعی است. برنامه‌های ضد کود کارکنان به این باور می‌رسند که مهارت و توانایی لازم را برای انجام بهینه کارهای خود دارند. اعتقاد فرد به توانایی‌های خود در افزایش مهارت‌هایش تأثیر دارد و این شایستگی او باعث افزایش شوق به کار و این به نوبه خود، مسبب ابتکار فردی وی می‌شود. افراد توانمند و دارای احساس سودمندی همچنین می‌توانند از احساس اطمینان به خود و توان رویارویی با چالش‌ها برخوردار شوند.

۱- خودسودمندی (Self-Efficacy) یا احساس شایستگی، به این معناست که کارکنان به این باور می‌رسند که مهارت و توانایی لازم را برای انجام بهینه کارهای خود دارند. اعتقاد فرد به توانایی‌های خود در افزایش مهارت‌هایش تأثیر دارد و این شایستگی او باعث افزایش شوق به کار و این به نوبه خود، مسبب ابتکار فردی وی می‌شود. افراد توانمند و دارای احساس سودمندی همچنین می‌توانند از احساس اطمینان به خود و توان رویارویی با چالش‌ها برخوردار شوند.



انتخاب رویکرد دانست و اذعان کرد، در صورتی که هدف اصلی انسجام و تقویت جامعه روستایی باشد، رویکرد پایین به بالا موثرتر خواهد بود. وی خاطر نشان کرد، به واسطه نقش پررنگ حاکمیت و دخالت آن در ساختارهای سطح محلی، بایستی توجه ویژه‌ای به آن معطوف شود.

فهمی در پاسخ به سوال یکی از خبرنگاران حاضر در جلسه مبنی بر این که فصل مشترک آب و امنیت غذایی کجاست و چگونه باید تعیین شود، گفت: امنیت غذایی براساس تعریف سازمان خواروبار جهانی (FAO) عبارت است از تأمین قوت روزانه به شیوه‌های ممکن و در هیچ کجای دنیا از آن به‌عنوان معدل خود کفایی تعبیر نشده است. وی با اشاره به این که امنیت غذایی می‌تواند از طریق کشت فرامیزی یا از طریق آب مجازی محقق شود، افزود: در حال حاضر خودکفایی به میزان ۶۰ درصد محقق شده که همین میزان هم به قیمت فشار استحصالی بی‌رویه از منابع آبی میسر شده که پایدار نبوده و به مدت طولانی نمی‌تواند ادامه داشته باشد. با احتساب راندمان ۵۰ درصد در بحث آبیاری (در مقایسه با ۲۲ درصد کنونی) به ۱۵۰ میلیارد مترمکعب آب نیاز دارد و این در شرایطی است که کل میزان آب تجدیدپذیر در کشور در شرایط نرمال از ۱۲۰ میلیارد مترمکعب تجاوز نکرده و حتی در شرایط خشکسالی به کمتر از ۱۰۰ میلیارد مترمکعب بالغ می‌شود. لذا یکبار برای همیشه باید به مسئولان و تصمیم‌گیرندگان ارشد دستگاه حاکمیت گفت که خودکفایی معادل امنیت غذایی نبوده و با شرایط پذیرش نیست

۱- خودسودمندی (Self-Efficacy) یا احساس شایستگی، به این معناست که کارکنان به این باور می‌رسند که مهارت و توانایی لازم را برای انجام بهینه کارهای خود دارند. اعتقاد فرد به توانایی‌های خود در افزایش مهارت‌هایش تأثیر دارد و این شایستگی او باعث افزایش شوق به کار و این به نوبه خود، مسبب ابتکار فردی وی می‌شود. افراد توانمند و دارای احساس سودمندی همچنین می‌توانند از احساس اطمینان به خود و توان رویارویی با چالش‌ها برخوردار شوند.

گزارش

## دموکراسی آب به جای جنگ آب

**بهره‌گیری از ظرفیت شبکه‌های اجتماعی برای اصلاح ساختار حکمرانی آب**

در بخش پریش و پلخ این نشست، فهمی در پاسخ به سوالی در خصوص چگونگی تقویت عزم دستگاه حاکمیت برای پذیرش اصلاح در ساختار حکمرانی آب، پدید آوردن انسجام و اتفاق نظر میان نخبگان در این بخش را یکی از شروط اساسی عنوان کرد و بهره‌گیری از ظرفیت شبکه‌های اجتماعی را در این راستا و به منظور اقتداربخشی و اعمال قدرت مهم ارزیابی کرد. وی در پاسخ به سوال دیگری در زمینه نحوه پیاده‌سازی الگوی حکمرانی و تشکیل شوراهای از سطوح محلی به سوی سطوح ملی (پایین به بالا) اذعان داشت که برای پیاده‌سازی ساختار حکمرانی هیچ الگوی از پیش تعیین شده‌ای وجود ندارد. برخی کشورها رویکرد بالا به پایین و برخی دیگر به عکس رویکرد پایین به بالا را دنبال کرده‌اند. ولی تجربیات صورت گرفته در این زمینه حاکی از آن است که پیاده‌سازی ساختار حکمرانی پایدار در کشورهایی که از طیف وسیعی از تنوع اقلیمی، فرهنگی و مذهبی برخوردار هستند، با استفاده از رویکرد پایین به بالا با دشواری‌های بسیار بیشتری روبه‌روست ولی با این حال من هیچ آسزاری بر جهت‌گیری خاصی در این زمینه ندارم. قربانی در پاسخ به همین سوال هدف تعیین شده در برنامه‌ریزی را عامل تعیین‌کننده در

راستای سیاست‌گذاری، برنامه‌ریزی و اجرا در قالب در سطح اداری و شهرستانی تعریف کرده و شرط لازم برای تحقق آن را عزم رسخ حاکمیت عنوان کرده تغییر فرهنگ سازمانی، فاصله‌گیری از نگاه‌های بخشی و حرکت به سوی نگاه فرابخشی برای اتخاذ تصمیمات بهینه، اصلاح تضادهای سیاسی، تقویت جایگاه سازمان‌های اجتماعی و به رسمیت شناختن آنها، رشد و توسعه سازمان‌های مردم‌نهاد، پذیرش اصل تمرکززدایی، مشارکت فعال ذینفعان و انسجام در تمامی سطوح از دیگر شرایط تحقق حکمرانی مطلوب دانست.

در ادامه قربانی از تدوین یک نظام مدون پایش و ارزیابی (از بعد سیاسی و اجتماعی) برای حکمرانی به‌عنوان گامی کلیدی در پیاده‌سازی و اجرای حکمرانی مطلوب نامبرده و روشی در همین راستا تحت عنوان Network Analysis تحلیل شبکه‌ای را توضیح داد. از نگاه وی تحلیل شبکه‌ای با تمرکز بر شناسایی ساختار الگوی روابط بین ذینفعان، دست‌اندرکاران نهادهای مرتبط با مدیریت به‌هم پیوسته و در نظر گرفتن کنشگران مختلف در حوزه منابع آب به‌عنوان بازیگران اصلی می‌تواند اسباب شناخت هرچه بهتر از شرایط حکمرانی و پایش آن را از طریق معیارهای کمی حایز اهمیت در مقوله حکمرانی فراهم آورد.

- براساس بررسی‌های انجام گرفته تحقق خودکفایی با احتساب راندمان ۵۰ درصد در بحث آبیاری (در مقایسه با ۲۲ درصد کنونی) به ۱۵۰ میلیارد مترمکعب آب نیاز دارد و این در شرایطی است که کل میزان آب تجدیدپذیر در کشور در شرایط نرمال از ۱۲۰ میلیارد مترمکعب تجاوز نکرده و حتی در شرایط خشکسالی به کمتر از ۱۰۰ میلیارد مترمکعب بالغ می‌شود. لذا یکبار برای همیشه باید به مسئولان و تصمیم‌گیرندگان ارشد دستگاه حاکمیت گفت که خودکفایی معادل امنیت غذایی نبوده و با شرایط پذیرش نیست
- حاکمیت‌های بایستی نهادهای مدنی را به‌عنوان بخشی از حکومت به رسمیت شناخته و در توازن قوا مشارکت دهد و به کار گیرند. فهمی از جامعه مدنی، بخش خصوصی و دولت به‌عنوان سه‌عنصر اصلی در باب حکمرانی یاد کرده و با اشاره به جنبه مشارکت به‌عنوان فصل مشترک تمامی تعاریف مختلف حکمرانی، یکبارگی این خصیصه را در کنار دموکراسی آب به‌عنوان پیش شرط‌های اصلی تحقق حکمرانی خوب مطرح کرد

**ادامه از صفحه ۹** معاون دفتر برنامه‌ریزی کلان آب و ایفای وزارت نیرو با اشاره به کاستی‌ها در حوزه قانونی، از اراده سیاسی در سطوح بالای حاکمیتی نیز به‌عنوان عامل تعیین‌کننده دیگری (شرطی لازم و نه کافی) در جهت تحقق حکمرانی مطلوب نام برده و از این منظر ایراداتی را نیز بر مصادیق رویکرد‌های کنونی مدیریت مشارکتی در وزارت نیرو وارد دانست. وی در رابطه با سازمان مدیریت حوزه آبریز زاینده‌رود و تلاش‌های گسترده‌ای که برای ایجاد آن صورت گرفته است، گفت: ساختار کنونی شورای آبریز حوزه را به رغم حضور ذینفعان در آن همچنان دولتی و تحت نفوذ ساختار حاکمیتی است که ترکیب اکثریت اعضای آن به‌جای انتخاب برانصاب استوار بوده و یک حکمرانی خوب مغایرت دارد. البته وجود چنین معضلی را بیشتر معلول وجود خلأهای قانونی جهت مشرعیت‌بخشی فعالیت‌های تشکلی‌ها و شوراهای تفویض اختیارات به آنها (تحت هدایت خودشان) می‌دانم. اهمیت خواهی نهادن حاکمیتی.

**نگاه حاکمیتی سنتی در مقابل حکمرانی مدرن**

مهدی قربانی، عضو هیأت علمی دانشکده منابع طبیعی دانشگاه تهران نیز به‌عنوان یکی از صاحب‌نظران این نشست، با اشاره به مسأله بحران مدیریت در منابع آب، فایق آمدن بر شرایط کنونی را تنها در گرو اتخاذ رویکردهای صحیح مدیریتی در این حوزه و در قالب مدیریت به‌هم پیوسته آب امکان‌پذیر دانسته و از حکمرانی مطلوب (در قالب جایگزینی حاکمیت با نگاه دستوری با دیدگاه تعاملی و دوطرفه در جامعه) تحت عنوان یکی از ملزومات تحقق رویکرد مدیریت به‌هم پیوسته منابع آب سخن به میان آورد. از دیدگاه قربانی نگاه حاکمیتی سنتی که در آن قدرت متمرکز، مدیریت شرایط را بدون مشارکت ذینفعان در نظر دارد، در تقابل با رویکرد حکمرانی مدرن است که نگاه دوسویه و تعاملی را مورد توجه قرار می‌دهد و از همین نگاه جدید است که مفهوم بسیار مهم جامعه‌شناختی تحت عنوان مدیریت مشارکتی متولد می‌شود. حکمرانی شبکه‌ای به‌عنوان شبکه‌ای که روابط میان ذینفعان و ذیمدخلان را با هدف سیاست‌گذاری شکل می‌دهد، بنسبت تحقق این رویکرد در مشارکتی فراهم می‌کند. وی سطوح مختلف حکمرانی را ذیل تقسیم‌بندی قدرت برای تصمیم‌گیری در